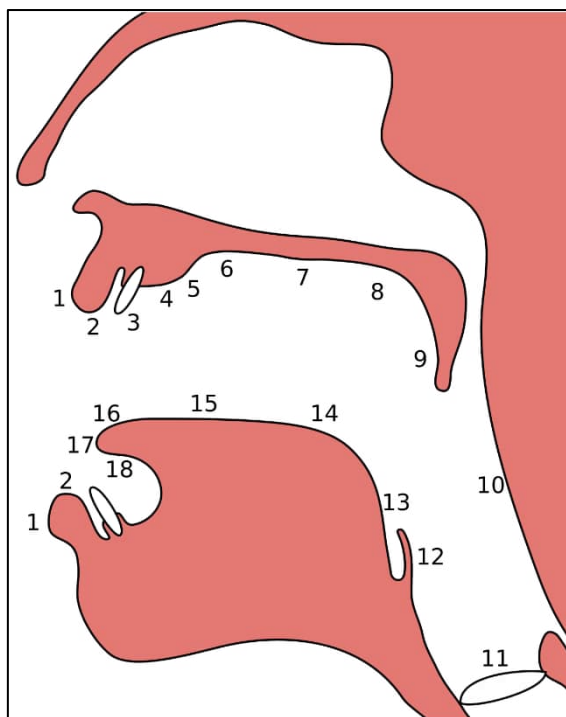


تلفظ صحیح حروف فارسی

تلفظ صحیح حروف فارسی در فن بیان از بنیادی ترین مهارت ها است. بدون تلفظ صحیح حروف فارسی نمی توان وارد مراحل پیشرفته فن بیان شد.

اما دانشجویان فن بیان این نکته را مدنظر داشته باشند که دانش کافی در مورد اندام های گفتاری و روش های تولید آوا پیش نیاز این مهارت است. بسیاری از اصطلاحاتی که در این مقاله برای شما ناآشناست در مقاله اندام های گفتاری و روش های تولید آوا توضیح داده شده است. بعد از آن این مقاله رو بطور کامل مطالعه کنید و در مرحله بعد با انجام تمرین تلفظ حروف تمام تلاش خود را انجام دهید تا در تلفظ صحیح حروف به تسلط و ورزیدگی دست پیدا کنید.



- | | |
|-----------------------|------------------|
| ۱- قسمت خارجی لب | ۲- قسمت داخلی لب |
| ۳- دندان بالا | ۴- لثه |
| ۵- برآمدگی عقب لثه | ۶- پیش کام |
| ۷- کام | ۸- پس کام |
| ۹- ملازی یا زبان کوچک | ۱۰- حلق |
| ۱۱- چاکنایی | ۱۲- اپی گلویت |
| ۱۳- اوروفارینکس | ۱۴- پس زبان |
| ۱۵- زبان پیشین | ۱۶- تیغه زبان |
| ۱۷- نوک زبان | ۱۸- زیر نوک زبان |

بررسی همخوان (صامت) و واکه‌ها (مصوت‌ها) در زبان فارسی

در این قسمت به بررسی حروف در زبان فارسی می‌پردازیم و ویژگی‌های مختلف آن را می‌کاوییم. برای سخن‌آموزان و همچنین مدرسان فن بیان ضروری است که نسبت به شناخت همه جانبه حروف اهتمام تمام داشته باشند.

همزه (ء) (چاکنایی-انسدادی-آوآدار)

در زبان فارسی تلفظ این حرف و حرف (ع) یکی است. مخرج این حرف چاکنایی است. اگر در ابتدای کلمه باشد روش تولید آن انسدادی (Plosive) است. ولی در سایر موارد انسداد به صورت کامل اتفاق نمی‌افتد و صرفاً امتداد حرف قبل از خودش است. همزه جزء حروف آوآدار است و هنگام تولید آن تارآواهای حنجره منقبض شده و می‌لرزند.

ب (دولبی-انسدادی-آوآدار) = پ (دولبی-انسدادی-بی‌آوا)

مخرج این دو حرف دولبی (Bilabial) است. روش تولید آن‌ها انسدادی است. در هر دو حرف لب‌ها بسته می‌شوند و مسیر خروجی هوا از محوطه دهانی مسدود می‌شود با باز شدن ناگهانی لب‌ها و خروج انفجاری هوا این دو صامت شنیده می‌شود با این تفاوت که حرف ب آوآدار است و حرف پ بی‌آواست.

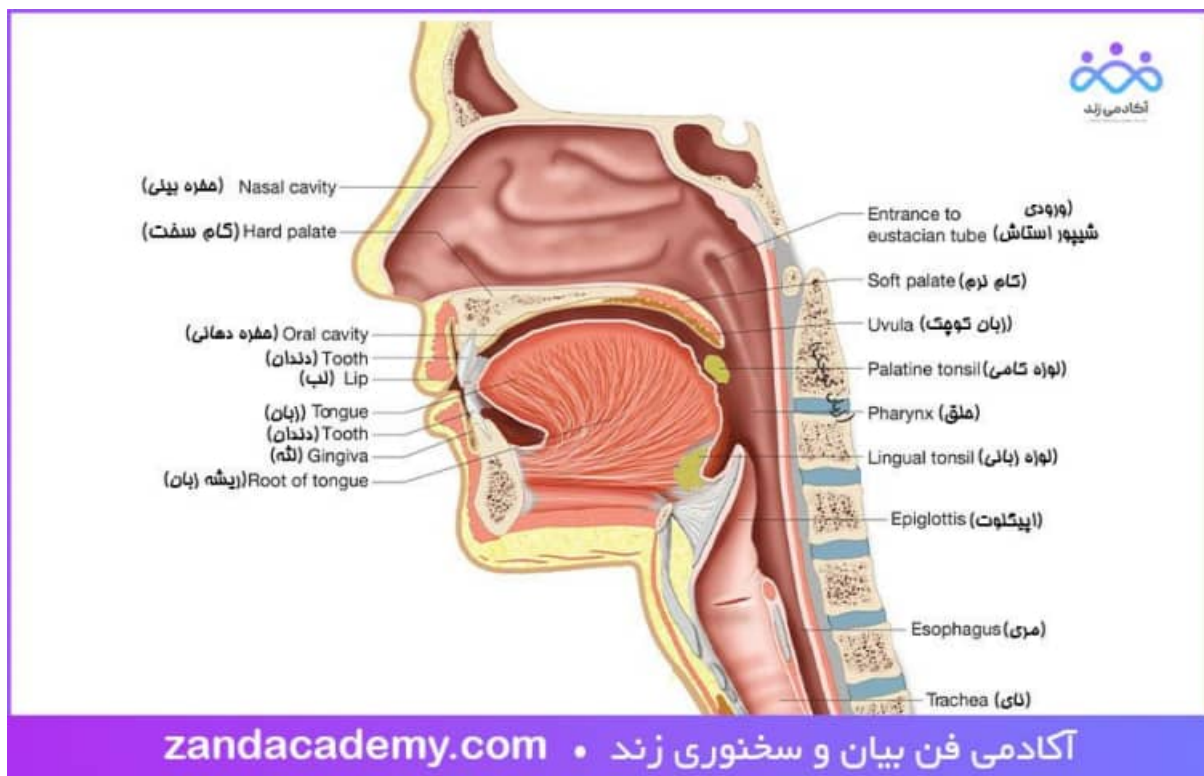
ت (نوک زبانی-لثوی-دندانی-بی‌آوا) - د (نوک زبانی-لثوی-دندانی-آوآدار)

برای تلفظ این دو حرف نوک زبان به پشت دندان‌های پیشین بالا و قسمت تیغه زبان به قسمت لثوی (Alveolar & postalveolar) فشرده می‌شود. با این تفاوت که حرف ت بی‌آواست و حرف د آوآدار است. همچنین در تلفظ هر دو حرف، دهان به حالت نیمه بسته است.

نکته مهم در مورد حرف ت این است که این حرف دارای بیشترین میزان انرژی تلفظی است. چون هم انسدادی است، هم بی‌آواست، و هم نوک زبانی است. از آنجا که حروف انسدادی میزان انرژی بیشتری نسبت به حروف انقباضی دارند و همچنین حروف بی‌آوا هم انرژی بیشتری نسبت به حروف آوآدار مصرف می‌کنند و در آخر اینکه عضله زبان در قسمت نوک و تیغه بسیار باریک و کم حجم است.

از جمیع موارد طرح شده نتیجه می‌شود که حرف ت از سخت‌ترین حروف برای تلفظ است به خصوص زمانی که این حرف در کلمه ساکن می‌شود. وقتی در آخر کلمه ساکن می‌شود (مانند گفت، هست، رفت و ...)، تلفظ خود حرف و وقتی در وسط کلمه ساکن می‌شود (متن، چتر و ...)، تلفظ خود حرف و همچنین حرف بعد از آن با دشواری مواجه می‌شود. سخن‌آموزان هنگام دکلمه، متن خوانی و همچنین سخنرانی باید مراقب حرف ت به خصوص هنگام سکون باشند.

تلفظ حرف د در کلماتی مانند رفتند، بردند، خوردند و ... با دشواری مواجه می‌شود که علت آن قرار گرفتن نوک ساکن قبل از حرف دال است. با اینکه حرف نون آوآدار و انقباضی است ولی به خاطر ویژگی مخرجی آن که نوک زبانی است، اگر در کلمه ساکن شود، تلفظ خود و حرف بعد از آن با دشواری مواجه می‌شود و در بسیاری موارد به علت ضعف عضله زبان و راحتی تلفظ، عموم افراد ن ساکن وسط کلمه را به میم تبدیل می‌کنند. به عنوان مثال به جای تلفظ ن در شنبه، آن را به صورت شنبه تلفظ می‌کنند.



ج (کامی - سایشی - آوادار) - چ (کامی - سایشی - بی آوا)

مخرج حرف چ و ج کامی است و با فشار تیغه زبان به قسمت کام پیشین تولید می‌شود. روش تولید هر دو سایشی است با این تفاوت که حرف ج آوادار و حرف چ بی‌آوا است. در تلفظ هر دو حرف ارتفاع زبان و یا دهان در حالت بسته قرار دارد.

در مورد حرف چ در روش تولید شاید درست تر آن باشد که بگوییم روش تولید آن انسدادی سایشی است و به همین دلیل هم نسبت به حرف ج از انرژی تلفظی بالاتری برخوردار است.

در مورد حرف ج این نکته لازم به ذکر است که با اینکه آوایی و سایشی است اما شدت برخورد تیغه زبان به کام زیاد است. به عنوان مثال اگر تلفظ حرف ج و ز را با هم در کلمه چیز که پدران و مادران از این کلمه برای دور نگه داشتن کودکان از آتش استفاده می‌کنند مقایسه کنید متوجه شدت برخورد زبان با کام و لثه می‌شوید. به همین دلیل حرف ج نسبت به ز، ژ و حرف چ نسبت به س و ش از انرژی تلفظی بالاتری برخوردار است.

خ (کامی - سایشی - بی آوا)

مخرج حرف خ ملازی است و از برخورد قسمت پسین زبان به ملاز یا زبان کوچک تولید می‌شود. ارتفاع زبان یا دهان در حالت نیمه بسته است و روش تولید آن سایشی است. این حرف جزء حروف بی‌آوا است و هنگام تلفظ صدایی شبیه حالت خراشیدن دارد.

ر (نوک زبانی - لثوی - لرزشی - آوادار)

مخرج حرف ر لثوی است و از برخورد متوالی نوک زبان به قسمت لثه (alveolar) تولید می‌شود. روش تولید حرف ر لرزشی (Trill) است. و به آن اصطلاحاً نوک زبانی، لثوی، لرزشی یا apical alveolar trill می‌گویند. در این روش تولید نوک زبان بارها جریان عبوری هوا را در کسری از ثانیه قطع و وصل می‌کند.

حرف ر تنها حرف نوک زبانی لرزشی است و به همین دلیل تلفظ آن برای بسیاری با دشواری زیاد همراه است. اگر به حرف زدن کودکان هم توجه کنید یکی از شیرین زبانی های آن ها به این دلیل است که نمی توانند حرف ر را درست تلفظ کنند.

چون این حرف نوک زبانی است و نوک زبان از کمترین قطر و حجم عضله برخوردار است و از طرفی نیاز به لرزش و قطع و وصل سریع جریان عبوری هوا دارد در هنگام تلفظ می تواند بسیار دردسرساز باشد. برای این منظور ورزشی و قدرت عضله زبان از اهمیت بسیاری برخوردار است.

س (لثوی - سایشی - بی آوا) - ز (لثوی - سایشی - آوادار)

مخرج این دو حرف لثوی است و از برخورد تیغه زبان به برجستگی لثه (alveolar) ایجاد می شود با این تفاوت که حرف س ، بی آوا و حرف ز آوادار است. دهان یا ارتفاع زبان در هر دو در حالت بسته قرار دارد. روش تولید آن ها سایشی است. تلفظ حرف ث، ص با س و حرف ذ، ظ، ض با ز در زبان فارسی یکسان است. در زبان فارسی به آنها صفیری و در زبان انگلیسی به آن ها hissing sound گفته می شود که صدایی شبیه صدای مار دارند.

4 TYPES OF LISP

- Interdental Lisp
- Lateral Lisp
- Dentalized Lisp
- Palatal Lisp

zandacademy.com • آکادمی فن بیان و سخنوری زند

اختلال گفتاری حروف س ، ز (Lisp)

Lisp اختلال گفتاری است که در حروف صفیری مانند س ، ز رخ می دهد. این اختلال انواع مختلفی دارد که شامل موارد زیر است:

۱- **frontal lisp**: این نوع اختلال زمانی اتفاق می افتد که هنگام تلفظ حرف س و ز ، زبان جلوتر از نقطه هدف قرار بگیرد. در حالت طبیعی نوک زبان در قاعده دندان های پایین و تیغه زبان دقیقاً در چین خوردگی های پشت

دندان های بالا بدون اینکه برخوردی با دندان داشته باشد، قرار می گیرد. اما در این اختلال یا زبان به قسمت داخلی دندان های بالا برخورد می کند و یا بین دندان ها (Interdental lisp) قرار می گیرد.

۲- **lateral lisp** : در این اختلال نوک زبان به قسمت داخلی دندان های بالا می چسبد و هوا از کناره های زبان خارج می شود.

۳- **nasal lisp** : در این حالت قسمتی از هوای ورودی به جای خارج شدن از دهان از مجرای بینی خارج می شود.

۴- **strident lisp** : در این اختلال نوک زبان به جای آن که پشت دندان های بالا در قسمت چین خوردگی ها قرار بگیرد، عقب تر رفته و به کام سخت برخورد می کند. از برخورد زبان به کام سخت صدای سوت ماندنی شنیده می شود که مخاطب را اذیت می کند.

۵- **palatal lisp** : این اختلال زمانی رخ می دهد که فرد تلاش می کند حرف س یا ز را تلفظ کند در حالی که قسمت وسط زبان به کام نرم برخورد می کند.

ش (لثوی - سایشی - بی آوا) - ژ (لثوی - سایشی - آوادار)

مخرج این دو حرف لثوی است و از برخورد تیغه زبان به قسمت پشتی لثه (Postalveolar) ایجاد می شود و روش تولید هر دو حرف سایشی است با این تفاوت که حرف ش بی آوا و حرف ژ آوادار است. دهان و ارتفاع زبان در حالت بسته قرار دارد و گرد شده لبها به تشدید آن ها کمک می کند و طنین خاصی به آن می دهد. حرف ژ از حروفی است که میزان انرژی تلفظی آن بسیار کم است و لطافت و زیبایی و نرمی خاصی در آوای آن وجود دارد.

ق (پس زبانی - ملازی - انسدادی)

مخرج این حرف ملازی است و در هنگام تلفظ برای یک لحظه ملاز یا زبان کوچک به انتهای زبان می چسبد و رها می شود. روش تولید آن انسدادی است و دهان یا ارتفاع زبان در حالت نیمه بسته قرار دارد. حرف ق آوادار است. حرف غ هم در زبان فارسی مانند ق تلفظ می شود. ولی در زبان عربی تلفظ آن و روش تولید آن متفاوت است. روش تولید آن در زبان عربی بر خلاف زبان فارسی که انسدادی است، سایشی است.

ف (لبی - دندانی - سایشی - بی آوا) - و (لبی - دندانی - سایشی - آوادار)

مخرج این دو حرف لبی - دندانی است و روش تولید آن ها سایشی است با این تفاوت که ف بی آوا و حرف و آوادار است. در تلفظ این دو حرف دندان های پیشین بالا به صورت نرم و البته استواری روی لب پایین قرار می گیرند. دهان و ارتفاع زبان در حالت نیمه بسته قرار دارد.

ک (نرم کامی - انسدادی - بی آوا) - گ (نرم کامی - انسدادی - آوادار)

مخرج این دو حرف نرم کامی است و از فشار قسمت پسین زبان به نرم کام ایجاد می شود با این تفاوت که حرف ک، بی آوا و حرف گ، آوادار است. مخرج حرف گ کمی عقبتر از ک است.

توضیح آنکه حرف ک و گ در زبان فارسی از دو مخرج ادا می شوند. هر گاه حرف ک و گ پیش از حروف صدادار ای (گیس - کین)، ا (گرد - کرم)، آ (گرد - گرد)، پیش از یک همخوان یا صامت قرار گیرند (شکر - رن) و یا در آخر کلمه بیاید (خاک - رنک) از مخرج پس کام و ضخیم تر ادا می شوند که حالت دهان و یا ارتفاع زبان در این حالت به صورت بسته است. اما در صورتی که پیش از حروف صدادار آ (گاری - کاری)، ا (گر - گر)، او (گور - کور) قرار گیرند، مخرج آنها ملازی است و نازکتر تلفظ می شوند.

این موضوع در زبان معیار فارسی اهمیت بسیاری دارد و عدم توجه به این نکته باعث ایجاد لهجه می شود. به طوری که ترک زبانان هر دو را به صورت پس کامی و ضخیم تلفظ می کنند و کرد زبانان هر دو را به صورت ملازی و نازک تلفظ می کنند.

ل (نوک زبانی - لثوی - سایشی کناری - آوادار)

مخرج این حرف لثوی است و از برخورد نوک زبان به برجستگی لثه (Alveolar) ایجاد می شود. همزمان با فشار دندان های آسیا کناره های زبان به پایین می آید و اجازه عبور هوا را می دهد. به همین دلیل روش تولید آن سایشی کناری است. دهان یا ارتفاع زبان، حالت نیمه بسته دارد

حرف ل آوادار است ولی اگر در پایان کلمه و بعد از حرف انسدادی ساکن مانند شِکَل قرار گیرد بی آوا می شود و برای تلفظ آن به انرژی بیشتری نیاز است.

م (دولبی - خیشومی - آوادار) - ن (نوک زبانی - خیشومی - لثوی - آوادار)

روش تولید هر دو حرف خیشومی است که نام های دیگر آن غُنه ای و تودماغی است. مخرج حرف م دولبی است و با قرار گرفتن هر دو لب روی یکدیگر و با پایین آمدن ملّاز یا زبان کوچک هوا از حفره بینی خارج می شود.

مخرج حرف ن لثوی است و از برخورد نوک زبان به برجستگی لثه (Alveolar) ایجاد می شود. تلفظ حرف ن نیز به سبب نوک زبانی بودن و کم بودن حجم و قدرت عضله در نوک زبان به ویژه وقتی در وسط کلمه ساکن می گردد مانند شنبه و یا بعد از آن حرف ساکن می آید مانند رفتند با سختی و دشواری مواجه می شود و نیاز به انرژی بیشتری برای تلفظ صحیح دارد.

نکته ۱: اگر ن بین یک حرف صدادار و حروف ک ، گ قرار گیرد دیگر مخرج آن لثوی نیست و پس کام منتقل می شود. ولی ویژگی خیشومی آن تغییری نمی کند مانند: بانگ، بانک، چنگ، دانگ، زنگ و ...

نکته ۲: حرف نون و میم جزء حروف آوادارند ولی اگر در پایان کلمه و به دنبال یک واک انسدادی (ب، پ، ت، ک، گ، ق، د) قرار گیرند بی آوا می شوند. مانند: مَتْن، دُگْم که در این موارد به انرژی بیشتری برای تلفظ نیاز دارند.

ه (چاکنائی - سایشی - بی آوا)

مخرج حرف ه چاکنائی است و روش تولید آن سایشی است. حرف ه با اضافه حروف دولبی م، ب، پ حروفی هستند که زبان در تولید آن ها دخالتی ندارد. روش تولید آن سایشی است. در زبان فارسی حرف ح هم مانند ه تلفظ می شود. ولی در زبان عربی حرف ح حلقی و با انقباض ناحیه گلو هم همراه است.

حرف ه بی آوا است ولی اگر بین دو حرف صدادار قرار گیرد آوادار می شود مانند ماهی، آهو

ی (کامی - مجاورتی - آوادار)

مخرج این حرف کامی است و با عبور هوا از مجرای دهان در حالی که قسمت میانی زبان به کام نزدیک می شود ایجاد می شود. روش تولید آن مجاورتی است و به دلیل شباهتی که به حرف صدادار ای دارد به آن نیم‌مصوت یا نیم‌واک هم می‌گویند. حرف ی هم جزء حروف آوادار است.

مصوت‌ها (واک‌ها) در زبان فارسی

مصوت، واک‌ی است که با تولید آوا در حنجره و عبور بی مانع از مجاری دهانی ایجاد می شود. در تلفظ مصوت‌ها انسداد، سایش، زنش و یا روش‌های دیگر تولید اتفاق نمی افتد بلکه صرفاً با تغییر شکل مجرای دهان تمایز اتفاق می افتد.

در زبان فارسی معیار ۶ مصوت اصلی و ۲ مصوت مرکب داریم. آ، ا، اُ که مصوت‌های کوتاه و آ، ای، او که مصوت‌های بلند هستند. دو مصوتِ ای مانند می و او مانند نو هم مصوت‌های مرکب هستند.

مصوت آ: در تلفظ این مصوت تیغه زبان اندکی بالا می آید و دهان یا ارتفاع زبان در حالت نیمه باز (open-mid) قرار می گیرد.

مصوت ا: در تلفظ این مصوت تیغه زبان اندکی بالا می آید و دهان یا ارتفاع زبان در حالت نیمه بسته (close-mid) قرار می گیرد.

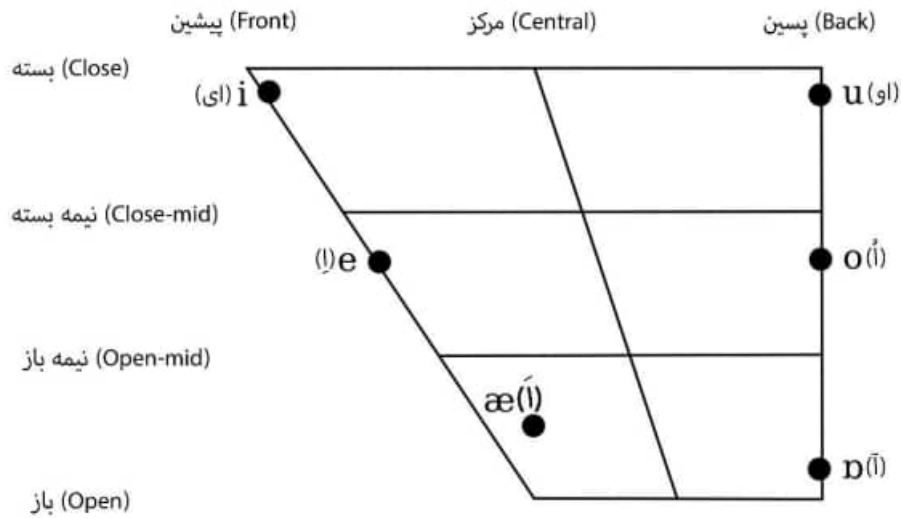
مصوت اُ: در تلفظ این مصوت قسمت پسین یا عقب زبان اندکی بالا می آید و دهان یا ارتفاع زبان در حالت نیمه بسته (close-mid) قرار می گیرد و لب‌ها گرد می شوند.

مصوت آ: در تلفظ این مصوت قسمت پسین یا عقب زبان اندکی بالا می آید و دهان یا ارتفاع زبان در حالت باز (open) قرار می گیرد. ارتفاع زبان در تلفظ مصوت آ در بیشترین حالت خود است و آرواره‌ها کاملاً از هم باز می شوند.

مصوت ای: در تلفظ این مصوت قسمت تیغه زبان بالا می آید و دهان یا ارتفاع زبان در حالت بسته (close) قرار می گیرد. ارتفاع زبان در تلفظ مصوت ای در کمترین حالت خود است و آرواره‌ها تقریباً بسته هستند.

مصوت او: در تلفظ این مصوت قسمت پسین یا عقب زبان بالا می آید و دهان یا ارتفاع زبان در حالت نیمه بسته (close-mid) قرار می گیرد. لب‌ها گرد شده و دایره تنگ تری را نسب به مصوت ا می سازند و همچنین از دندان‌ها فاصله بیشتری هم می‌گیرند.

نمودار مصوت های زبان فارسی



چند نکته:

- ۱- سه مصوت آ، ا، اُ امتداد کوتاه دارند و سه مصوت آ، او، ای امتداد بلند دارند. این امتداد در خواندن شعر و دکلمه برای انتقال ریتم و موسیقی شعر رعایت می شود ولی در محاوره کمتر رعایت می گردد.
- ۲- مصوت های آ، ا، اُ هرگاه پیش از دو صامت ساکن متوالی قرار گیرند، کشیده تر تلفظ می شوند. مانند: مَرگ، فِکر، بُرد، سَرَد، سَبَز
- ۳- مصوت های آ، او، ای اگر قبل از واک خیشومی ن قرار گیرد کوتاهتر ادا می شود. مثال: کار - کان، دور - دون، دیر - دین
- ۴- مصوت او هرگاه در پایان کلمه قرار گیرد، کوتاهتر و بازتر می شود. مانند نیرو، آهو
- ۵- مصوت ای اگر قبل از دو صامت نهایی کلمه قرار گیرد امتداد کامل خود را حفظ می کند. مانند: رینگ. اما در موارد دیگر اندکی کوتاهتر و بازتر ادا می شود. به طور مثال امتداد آن در برخی واژه ها مثل نیابت، نیایش، خیانت بسیار کوتاه است. در ضمن این مصوت نیز اگر قبل از ن قرار گیرد کوتاه می شود. مانند این، مین در مقایسه با ایل یا بیش